

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هیم از آن به که کشور به دشمن د هیم

www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن – المان

16 اکتوبر 2011

گذر هائی در فیس یک (گذر ششم)



Maryam Barghi Shirazi

محترمه مریم جان شیرازی نوشتند:

آمدی وه که چه مشتاق پریشان بودم!

Mokhtarzada Nematullah

از نعمت الله مختارزاده

ای که مشتاق و ، پریشان و هراسان بودی
بسی با جبرِ زمان دست و گریبان بودی
آمدم تا بِـــــــزدایم ز دلت غصه و غم
کاش از دردِ منت نیز، تو پُرسان بودی
ای خوشا غمزده، احوالِ دلِ غمزده را
یا پریشان، خبر از حالِ پریشان بودی
همه گویند ز دل ره به دل است، اما نه
دلِ ما خون و تو دلگرمِ حریفان بودی
"نعمت" شکوه ز خوبان گنهی هست عظیم
دلِ لامذهبِ من، بیخبر از آن بودی

از آقای محمود خطاب به پری جان:

اگرچه تشنه بسیارم پری جان
و بُرده کیف سیگارم پری جان
ثوابی بیشتر خواهم که باشد
لبت خرماي افطارم پری جان

نعمت الله مختارزاده :

اگرچه تشنه بسیار است محمود
خمار کیف سیگار است محمود
ثواب بیشتر از بیش خواهد
که تریاکی، ز افطار است محمود